

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۲۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۸/۱۲

ارزیابی نقش موبدان در حفظ و احیای میراث ایرانی در قرون نخستین اسلامی

رضا شجری قاسم خلیلی^۱

چکیده

فتح ایران توسط اعراب تحولی عمیق در ایران پدید آورد. این حادثه موجبات تغییر ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور را فراهم آورد. در مواجهه با وضعیت جدید جریان‌های گوناگونی در ایران شکل گرفتند؛ در این میان کسانی بودند که با نفی و انکار شرایط جدید سعی کردند همچنان با اتکا به عناصر و مؤلفه‌های هویت ایران باستان خود را معرفی نمایند از جمله آن‌ها موبدان هستند. مسأله ما در این پژوهش این است که موبدان در واکنش به این وضعیت جدید چه تدابیری اتخاذ کردند و اینکه سهم آن‌ها در حفظ و احیای میراث ایرانی چه میزان بوده است؟ با بررسی منابع تاریخی، جغرافیایی و ادبی درمی‌یابیم که موبدان در حفظ، احیاء و گسترش دین زرتشتی، زبان فارسی، آگاهی تاریخی، آداب و سنن و فرهنگ ایرانی در دوران جدید سعی و تلاش وافری نمودند. اگرچه آن‌ها به‌عنوان حافظ دین بهی نتوانستند جلوی اسلامی شدن ایران را بگیرند ولی در عرصه‌ی تاریخ و فرهنگ تلاش آن‌ها به بار نشست و بدین ترتیب در تداوم میراث ایرانی (هویت ایرانی) در دوران اسلامی نقش کلیدی ایفا کردند. در این جستار سعی شده است با روش تبیینی (علت یاب) و تفسیری - تفهیمی (معناکاو) به «چرایی» و «چگونگی» تداوم ایرانیت در دوران اسلامی پاسخی درخور داده شود.

واژگان کلیدی: موبدان، روحانیون زرتشتی، میراث ایرانی، هویت ایرانی، فرهنگ ایرانی.

***Evaluation of the Role of Zoroastrian Priests in
preservation and revival of Iranian Heritage during the
First Centuries (A.H.)***

R. Shajari Qasemkheili¹

Abstract

The Arab conquest of Iran created a deep transformation. This event caused political, cultural and social restructuring of the country. This new situation led to the formation of several movements in Iran. Some of them denied the new conditions and tried to introduce themselves by relying on the elements of ancient Iranian identity, Among them were Zoroastrian Priests (Mobadan). This study tries to investigate the Zoroastrian priests' plans and reaction to this new situation as well as their shares in preservation and revival of Iranian heritage. By examining historical, geographical and literary sources we understood that the Zoroastrian priests did a lot in maintaining, revival and expansion of Zoroastrian religion, Persian language, historical consciousness, Iranian culture and traditions during the first centuries A.H. Although as protectors of Zoroastrian religion, they couldn't prevent the supremacy of Islam in Iran, their efforts in the field of history and culture were successful and thus they played a key role in the continuity of Iranian heritage (Iranian identity) in Islamic period. This study has used explanation and interpretation as two means to answer the How and the Why questions about the Iranian heritage and identity in the Islamic era.

Keywords: Mobadan, Zoroastrian priest, Iranian heritage, Iranian identity, Iranian culture.

1 - Assistant Professor Department Of History, Mazandran University. Email: r.shajari@umz.ac.ir

مقدمه

فتح ایران توسط اعراب تحولی عمیق در ایران پدید آورد و شاید بتوان آن را به‌عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین حادثه در سراسر تاریخ ایران نامید. این حادثه علاوه بر تغییر ساختار سیاسی کشور و ورود آن به قلمرو دستگاه خلافت، عواقب چندی به دنبال داشت: مرزهای سیاسی فروپاشید، اقوام جدید با فرهنگ جدید وارد ایران شدند، نظام خانواده و قوانین حقوقی دچار دگرگونی شد، اعراب زبان عربی را به‌عنوان زبان رسمی و ادبی و دینی خود به ایران آوردند. این زبان در ادبیات- و نه در بین عوام- حکمفرما شد و برای همه کشورهای آسیای غربی و آفریقای شمالی منزلت زبان بین‌الملل را پیدا کرده بود، الفبا و خط عربی به‌موازات زبان عربی در میان ایرانیان انتشار یافت و الفبای پیشین، آرامی- پهلوی را از میدان بدر کرد. یکی از مهم‌ترین نتایج فتوحات در ایران انتشار دین اسلام در میان ایرانیان بود. دین جدید به علل گوناگون در میان ایرانیان رخنه کرد و با عقب راندن ادیان رایج در ایران باستان تا قرن سوم و چهارم هجری سراسر ایران را فراگرفت. در برخورد با وضعیت جدید طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی ایران واکنش‌های متفاوتی از خود نشان دادند؛ که در این مجال سعی در تبیین و واکاوی پاسخ یکی از این گروه‌ها به شرایط پیش روداریم در واقع مسأله ما در این پژوهش این است که موبدان در واکنش به این وضعیت جدید چه تدابیری اتخاذ کردند و اینکه سهم آن‌ها در حفظ و احیای میراث ایرانی چه میزان بوده است؟

هدف اصلی پژوهش حاضر نشان دادن تداوم هویت ایرانی و واکاوی ریشه‌ها، علل و دلایل استمرار میراث ایران باستان در دوران اسلامی می‌باشد، ارزیابی سهم یکی از طبقات ایرانی، یعنی موبدان، در حفظ و احیای ایرانیت در ایران بعد از اسلام از دیگر اهداف کلیدی این مقاله است.

در حوزه مورد بحث این پژوهش مقالات چندی- اغلب توسط محققان حوزه‌ی ادبیات و با رویکرد ادبی- به رشته تحریر درآمده است که از جمله می‌توان به موارد پیش رو اشاره کرد: «رد و موبد در شاهنامه» که نویسندگان آن به نقش و کارکرد موبدان در تاریخ ایران باستان با اتکا بر شاهنامه و بیان معنی اصطلاحی واژه موبد در میان ایرانیان برآمده‌اند. در

مقاله‌ی «پیشینه تحولات و دگر دیسی فرهنگی آثار مکتوب در ایران پیش از اسلام» نویسنده علی‌رغم اینکه بخشی از مقاله را به «نقش موبدان زرتشتی در حفظ میراث فرهنگی ایران» اختصاص داده است اما در این راه توفیقی نداشته و بیشتر به اقدامات شاهان ایران باستان در حفظ آثار و کتب ایرانی از گزند حوادث پرداخته است. در این میان نویسنده‌ی مقاله‌ی «اهتمام روحانیان زرتشتی در حفظ و پاس داشت میراث ادبی ایران» به نقش موبدان در نگهداری، نگارش و ترجمه‌ی کتب ایران باستان و نتایج آن پرداخته است که در مقایسه با سایر کارها از وزن بیشتری برخوردار است؛ هرچند اتکای نویسنده در بیان داده‌ها، به منابع دست‌دوم از اعتبار آن می‌کاهد. در خاتمه به اثر ارزشمند محمدی ملایری تحت عنوان «تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی» می‌توان اشاره کرد که در آن اشارات مهم و مفیدی به موضوعات مورد بحث در این پژوهش، به‌ویژه در باب نقش موبدان در نگارش و جمع‌آوری کتاب در دوران اسلامی، شده است.

چارچوب نظری تحقیق

همانطوری که در مقدمه ذکر گردید به دنبال فتح ایران به دست اعراب مسلمان تغییرات گسترده‌ای در بسیاری از ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی جامعه ایرانی رخ نمود؛ در مواجهه با وضعیت جدید جریان‌های گوناگونی در ایران شکل گرفتند:

گروهی از ایرانیان، نه تنها به دین جدید درآمدند، بلکه گذشته خود را به‌عنوان دوران جهل و شرک و پلیدی انکار نموده و غرق در شرایط جدید شدند. این گروه خود را تنها با عناصر و مؤلفه‌های جدید و عمدتاً دینی تعریف می‌کردند و به اسلام و زبان عربی و در برخی مواقع فرهنگ عرب می‌بالیدند و عرب را برابر با اسلام پنداشته و به مقابله با کسانی که قوم عرب را تحقیر می‌کردند می‌پرداختند و ایرانیانی را که ایران باستان و موارث ایران را زمینه تفاخر قرار می‌دادند از نیش قلم و زبان آن‌ها در امان نبودند.

گروه دیگر از ایرانیان تلاش نمودند با شرایط جدید به نحوی شایسته کنار آمده و بین ایرانییت و اسلام نوعی سازش آشتی ایجاد نمایند. به سخن دیگر نه گذشتگان‌شان را انکار نمودند و نه شرایط جدید را با تعصب به گذشته رد کردند. بلکه هم عناصری از اقوام تازه

وارد را پذیرفتند و هم به گذشته خود می‌بالیدند و خود را با اتکا به هر دو عنصر ایرانییت و اسلامییت معرفی می‌کردند.

در این میان کسانی هم بودند که نخواستند و یا نتوانستند با شرایط جدید کنار بیایند و با نفی و انکار شرایط جدید سعی کردند همچنان با اتکا به عناصر و مؤلفه‌های هویت ایران باستان خود را معرفی نموده و با دگرشان را متمایز نمایند. به عبارتی دیگر این گروه بر پایه ایرانییت خود ایستاده و با مواجهه با مسئله پیش رو پرداختند. این گروه از ایرانیان بدون تردید حداقل تا اواخر قرن سوم، اکثریت ایرانیان را تشکیل می‌دادند. زیرا زمان تفوق دین اسلام در ایران را نمی‌توان کمتر از پایان قرن سوم ه. ق تاریخ‌گذاری نمود، برخی یقیناً بر این باورند که «تا قرن چهارم هجری حجم کثیری از ایرانیان بر دین اهورامزدا مانده بودند» (صدیقی، ۱۳۷۲: ۸۶) حتی تعدادی پا را فراتر گذاشته چیرگی اسلام در ایران را مربوط به قرن پنجم می‌دانند (پطروشفسکی، ۱۳۷۰: ۴۸). بالطبع کسانی که دین جدید را نپذیرفته بودند، به طریق اولی حاضر به پذیرش آداب و سنن و فرهنگ عربی نیز نبودند.

سوای برخی تفاوت‌های جزئی و قابل اغماض، ویژگی‌های کلی این دسته را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱- اصرار در حفظ و نگهداری دین کهن و عدم پذیرش دین اسلام و یا قبول مصلحت‌اندیشانه‌ی دین جدید.

۲- سعی و تلاش آگاهانه در حفظ، توسعه و ترویج آداب و سنن و فرهنگ ایرانی و همچنین نفی عرب، فرهنگ عربی و آنچه منسوب به اعراب بوده است.

۳- ذکر تاریخ و افتخارات تاریخی ایرانیان و سعی در زنده نگه‌داشتن آن و معرفی خود در پرتو شکوه گذشته و امید و آرزوی اعاده‌ی آن.

۴- یکی دانستن نژاد و فرهنگ عرب و دین اسلام و نفی و انکار هردوی آن‌ها.

از جمله کسانی که می‌توان آن‌ها را در دسته اخیر جای داد «موبدان» هستند طبقه‌ای که با حفظ و گسترش تعالیم و آموزه‌های ایرانی، نقش بسزایی در تداوم هویت ایرانی در

دوران اسلامی داشته‌اند.

روش انجام این پژوهش در سطح داده‌شناسی، روش تحقیق اسنادی تاریخی است. ابتدا با استفاده از روش علمی تحقیق در تاریخ، اطلاعات مختلف جمع‌آوری شده و در مرحله بعد، (مرحله‌گزینش داده‌ها) بر اساس اصول نقد تاریخی (نقد داخلی و خارجی) متون و منابع، از مطالب مورد نیاز استفاده گردید. در این جستار سعی شده است با روش تبیینی (علت‌یاب) و تفسیری - تفهیمی (معناکاو) به «چرایی» و «چگونگی» تداوم ایرانی‌ت در دوران اسلامی پاسخی درخور داده شود.

۱- تکاپوهای موبدان در حفظ و احیای میراث ایرانی

از جمله ایرانیانی که بیش از همه در برابر شرایط جدید مقاومت نشان داده و در حفظ هویت سابق خود پافشاری نمودند، می‌توان به طبقه‌ی موبدان و روحانیون زرتشتی اشاره کرد. این گروه از ایرانیان هم از نظر کمیت حائز اهمیت بوده‌اند^۱ و هم از جهت نقشی که در حفظ، توسعه و ترویج موارث ایران - اعم از دین، فرهنگ و خاطره قومی - ایفاء نموده‌اند دارای بالاترین مقام بوده‌اند.

این گروه در جریان فتوحات، با توجه به شرایط، سیاست‌های مختلفی را در پیش گرفتند؛ در فارس موبدان موبد نزد شاهک بن ماهان، حاکم فارس، رفته او را به مقاومت در برابر اعراب تشویق نمود (ابن اعثم کوفی، ۱۳۸۰: ۳۶۵). در استخر هیرید در رأس سپاهی به مقابله با مهاجمان شتافت (نویری، ۱۳۶۵: ۲۱۷). اما آنچه از مصادر برمی‌آید اینکه، این طبقه صلح و همکاری را به مقاومت ترجیح می‌دادند: در همدان هیرید آن شهر با حذیفه، فرمانده سپاه اعراب، کنار آمد (طبری، ۱۳۷۵: ۱/۵۵۱). در فسا و دارابجرد، هیرید که حاکم شهر نیز بود، با مسلمانان صلح نمود (بلاذری، ۱۳۲۷: ۳۸۰). حاکم سیستان به همراه موبد موبدان به نزد فرمانده عرب درآمده و درازای هزار هزار درهم با او از در صلح درآمد (مؤلف مجهول، ۱۳۸۱: ۸۱ - ۸۲).

^۱ - در میان ایرانیانی که بر ایرانی‌ت خود پای می‌فشردند این طبقه از لحاظ کثرت نفرت در رتبه اول جای می‌گیرند.

به روایت شاهنامه موبدان در ایران باستان نقش‌ها و کارکردهای مختلفی از جمله تدبیر امور کشور، مرجعیت علمی، تعلیم و تربیت و اجرای امور دینی داشته‌اند (دلپذیر و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۵-۶۹).

بعد از فتح ایران و استقرار اعراب مسلمان در این منطقه، دستگاه روحانیت زرتشتی در دو عرصه نقش حساس و کلیدی خود را ایفاء نمود: در درجه اول به‌عنوان متولی، حافظ و نگهبان دین زرتشتی، عهده‌دار حل و عقد مسائل و مشکلات دینی ایرانیان معتقد به دین مزدایی شدند و در راه حفظ دین زرتشتی به جمع‌آوری منابع دینی و همچنین پاسخگویی به شبهات مخالفان اهتمام ورزیدند و در درجه دوم به‌عنوان پاسدار خاطره‌ی تاریخی و سنن ایرانی، سعی مضاعفی در توسعه و ترویج میراث تاریخی و فرهنگی ایران نمودند و به‌طور موفقیت‌آمیزی آن را به نسل‌های بعدی منتقل نموده و اسباب تداوم هویت ایرانی را فراهم آوردند. در ادامه به بررسی هر یک از این کارکردها می‌پردازیم:

۱-۱- موبدان؛ حافظ و مدافع دین زرتشتی

هرچند قدرت موبدان با انقراض سلسله‌ی ساسانی، به جهت وابستگی دستگاه دینی به دولت به‌شدت کاهش یافت، ولی چون بسیاری از ایرانیان تا اواخر قرن سوم هجری بر کیش زرتشتی بودند، موقعیت و اعتبار و نفوذ معنوی موبدان به‌هیچ‌وجه کاسته نشد، هرچند قدرت سیاسی خود را از دست داده بودند. این طبقه در نبود شاه و سایر بزرگان و اشراف ایرانی وظیفه‌ی رهبری ایرانیان را به عهده گرفتند.

به گزارش منابع جغرافیایی طی قرون سوم و چهارم در بسیاری از شهرهای ایران آتشکده‌ی فعال وجود داشته است. اشارات این منابع به حضور دین کهن در شهرهایی چون سمرقند، (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۳۵) شهر لنجان، ضیعه برزند (در اصفهان)، (همان: ۱۰۹) پریم (فریم)، طبرستان (مؤلف نامعلوم، ۱۳۶۲: ۱۳۶)، قریه آخرین (ابن رسته، ۱۳۸۰: ۱۹۴) (بین بغداد-ری)، شهر اصفهان (همان: ۱۸۱)، مزدجان قم (ابن فقیه همدانی، ۱۳۴۹: ۷۵) (قمی، ۱۳۶۱: ۸۸)، تقریباً همه جای فارس از جمله قلعه‌ی جص (گچ) در ارجان، کاریان، جره، جور (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۴۲-۴۳) و روستای دشتبارین، ولایت اردشیرخره (طبری، ۱۳۷۵: ۲/۶۲۶)

سیستان (مؤلف مجهول، ۱۳۸۱: ۷۵ و ۱۲۲) و... گواهی می‌دهند.

آنچه که مسلم است اینکه نمی‌توان نقش موبدان و هیربدان زرتشتی را در روشن نگه‌داشتن این آتشکده‌ها و شعله‌های دین مزدیسنی در دل و جان ایرانیان، طی قرون نخستین اسلامی، نادیده گرفت. بقای چند صد ساله‌ی دین کهن در ایران به تلاش مداوم و مستمر متولیان دین زرتشتی در راه حفظ و گسترش آن گواهی می‌دهد. احتمالاً توان و انرژی موبدان طی قرون اول و دوم ه. ق به علت پریشانی اوضاع دستگاه دینی در نتیجه ضربه‌ی ناشی از سقوط دولت پشیمان آن‌ها، بیشتر به رتق و فتق امور دینی زرتشتیان و همبسته کردن آن‌ها در برابر خصم گذشت. از ابتدای قرن سوم، به همراه بازتر شدن فضای فکری جامعه، ما شاهد فعالیت بی‌وقفه‌ی موبدان زرتشتی در عرصه‌ی جمع‌آوری و تدوین کتب دینی زرتشتی و همچنین پاسخگویی به شبهات «بد دینان» هستیم. برخی از مهم‌ترین آثاری که در این راه از موبدان طی قرون سوم و چهارم بر جای مانده است عبارت‌اند از:

۱-۱-۱- مادیگان گجستیک ابالیش

در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم ه. ق موبد «آرتور فرنبخ» در حضور مأمون و قاضی القضاة، علمای یهودی و مسلمان و مسیحی با یک رافضی دین زرتشتی به نام «دذو اهرمزد» به بحث و مناظره پرداخت (تاوادیا، ۱۳۸۳: ۶۱). اهرمزد هفت ایراد به آیین مزدیسنی وارد کرده بود و موبد مزبور به شیوایی و سخنوری و بایبانی روشن او را مجاب نموده و در پیشگاه مأمون خجلش می‌نماید و اهرمزد سرافکننده شرمسار از دربار خلیفه رانده می‌شود (مشکور، ۱۳۲۵: ۱۹). همان طوری که ملاحظه می‌شود در اینجا دفاع از حقانیت دین زرتشتی، که یکی از عناصر اصلی هویت ایرانی به حساب می‌آید، در دستور کار موبدان قرار گرفته است.

۱-۱-۲- دین کرد

آذر فرنبخ که در روزگار مأمون می‌زیسته به تدوین این کتاب پرداخت. بطوریکه از آخرین فصل کتاب سوم دینکرد برمی‌آید پس از تاخت و تاز تازیان به ایران او نخستین

کسی است که بر اثر جستجوی بسیار از این سو و آن سو گنجینه‌ای از فرهنگ پراکنده‌ی مزدیسنی را تدوین و تألیف نموده است و دینکردِ زمان ساسانیان را که هر ورق آن درجایی و هر مطلبش در کناری بوده از نو احیاء و تجدید کرده است (مشکور، همان: ۱۷) کاری که او آغاز کرده بود به وسیله اتورپات پسر هی میت (آذرباد پسر امید) تکمیل گردید. دینکرد کتابی مفصل و اثری حجیم است که محتویات تنها یکی از کتاب‌های دینکرد شامل پاسخ به ایراد یک آشموغ (زرتشتی از دین برگشته یا مسیحی شده)، پاسخ به ۱۶ پرسش یک دین آموز دین مزدایی در مسائل گوناگون فقهی (دین دادشناسانه) و همچنین ۳۹۷ روایت دیگر که هر کدام دارای یک سرنامه (تیتیر) و یک نوشتار (متن) می‌باشد، است (آذر فرنبغ، ۱۳۸۱: ص مختلف) دینکرد مجموعه‌ی بزرگی است از اطلاعات دینی، عادات، عقاید، روایات، تاریخ و ادبیات مزدیسی است. تحکیم و توسعه‌ی آگاهی تاریخی از نتایج اولیه و دیرپای این اثر و کتب دیگری از جمله بندهش و روایت پهلوی بوده است.

۱-۱-۳- بندهش

این نام واژه از دو جزء «بن»^۱ به معنای آغاز و «دهش»^۲ برابر با آفرینش، ترکیب شده است و در مجموع به معنای آفرینش آغازین است؛ اما مطالب کتاب به هیچ روی به مساله‌ی آفرینش محدود نمی‌شود و بخش عمده‌ای از آن به مسائل پایان جهان مربوط است و حتی در آن سخن از پیشگویی‌هایی در میان است. همچنین در آن از امور تاریخی و جغرافیایی مطالبی آمده است، در فصل ۳۳ کتاب یک دوره از تاریخ داستانی ایران تا پایان دوره ساسانی را می‌توان دید (فرنبغ دادگی، ۱۳۶۹: ص مختلف).

گردآورنده‌ی این کتاب فرنبغ دادگی بوده، اینکه او از خاندان موبدان بوده است تردیدی نیست. از این کتاب دو نسخه معروف، بندهش ایرانی و بندهش هندی باقی‌مانده است. در مورد زمان تألیف این کتاب اختلاف نظر بوده است قول معروف‌تر در مورد زمان تألیف این اثر همان قرن دوم هجری است (آذر فرنبغ، ۱۳۶۸: پنج مقدمه).

1- bun
2- dahish

۱-۱-۴- روایت پهلوی

این کتاب موضوعات مختلفی را در بردارد، چنانکه می‌توان یک برگزیده یا یک کتاب دستی از تمام دین زرتشتی دانست؛ از رسم‌ها، عادات و تشریفات تا مسائل جهان‌شناسی، معتقدات جهان دیگر، افسانه‌ها، اخلاق، فرهنگ عامه، داستان‌های قدیم،^۱ آگاهی‌هایی درباره برگشتن از دین و مرتد شدن و ... مطالب درخوری دارد (تاوادیا، همان: ۱۵۱). زمان تألیف کتاب را همانند داستان دینیک قرن سوم ذکر کرده‌اند (صفا، همان: ۵۴).

۱-۱-۵- داستان دینیک

عنوانی است که به نود و دو سؤال و جواب راجع به مسائل دینی داده‌اند، در این رساله «میترو و خورشید» پسر اتورمه‌هان و مزدیسنان دیگر از «منوچهر» هیربد خدای، این سؤالات را کرده‌اند و منوچهر آن‌ها را جواب گفت. سال تألیف این رساله پیش از ۲۶۷ هـ ق (۸۸۱ م) هست. ملاحظه سؤال‌های مزبور برای شناسایی مسائل دینی که در این عصر مطرح بوده است بسیار مفید است. در جواب این سؤالات، منوچهر هوشمندی و دانش نشان داده است و طرفدار روح تساهل در خطاها و غفلت‌ها به نظر می‌رسد (صفا، ۱۳۸۴: ۵۴).

۱-۱-۶- ارداویرافنامه

ارداویراف مرد پرهیزگاری است که پیشوایان و موبدان دین زرتشتی، در عهد ساسانی، او را برگزیدند که سیری در جهان دیگر کند و از روان درگذشتگان آگاهی بدست آورد، این مسافرت او هفت شبانه روز به طول انجامید. او به همراه دو فرشته از طبقات مختلف بهشت و دوزخ بازدید کرد و پاداش هر کار نیک و بآدافراه هر گناه را مشاهده کرد و در روز هفتم بازگشته و آنچه که دیده بود گزارش داده و به‌صورت یک کتاب تدوین نمود این اثر ارداویرافنامه نام گرفت (ارداویراف، ۱۳۷۲: ۱-۲). تاریخ نگارش متن اصلی بایستی پس از خسرو انوشیروان بوده باشد (تاوادیا، همان: ۱۶۱). در مورد گردآوری و تدوین آن در دوران اسلامی باید گفت که این کتاب در قرن سوم و بعد از دینکرد نوشته شده است (ارداویراف، ۱۳۷۲: ۲۳).

۱ - مثلاً داستان‌های در مورد گرشاسب و جم.

۱-۱-۷- شکند گمانیک ویچار

شکند گمانیک ویچار یا گزارش گمان شکن، در قرن سوم بدست مردان فرخ اورمزد داتان، تهیه و تنظیم شده است. نویسنده در مورد محتوی کتاب و علت نگارش آن چنین می‌گوید: «... و از آنان چندتایی پرسش‌های دوست داران راستی است (و برخی دیگر بر رد آموزش‌های بیگانه) از نوشته‌ها و یادگارهای دانایان پیشین، به‌ویژه گرانمایه‌ی بزرگوار، آتورپارت یواندات را برگزیدم و نوشتم و نام شکند گومانیک ویچار (گزارش‌های گمان شکن) بر آن نهادم. چه برای برکنار کردن گمان نوآموزان بسی بایسته است تا آنان حقیقت و شایستگی ایمان دین به (دین زرتشتی) و کم‌ارزشی مخالفان را بشناسند.» (تاوادیا، همان: ۱۲۱).

این کتاب همان‌گونه که گذشت از بخش‌های زیر تشکیل شده است ۱- پاسخ به پرسش‌هایی درباره شریعت زرتشتی ۲- انتقادی به دین‌های بیگانه.

۱-۱-۸- سایر آثار و تألیفات

«پورشیسنیها»، یک اثر منتشر نشده از آتور فرنبخ که حدود ۱۵۰ پرسش درباره مسائل اجتماعی را در بردارد (تاوادیا، همان، ۶۲). «اختیارات ذات سپرم»؛ درباره آغاز، میان و پایان جهان، جهان‌شناسی آغاز خلقت، زندگانی زرتشت در میانه‌ی جهان و ظهور منجی در پایان جهان. این کتاب در قرن سوم سال ۲۶۷/۲۶۸ هـ ق توسط زاد سپرم نوشته شده است و در نهایت کتاب «روایت امیدا شاووشیتان» که در اواخر قرن سوم یا اوایل قرن چهارم تألیف شده است (مؤلف نامعلوم، ۱۳۶۹: ۱۱).

همانطوریکه ملاحظه شد موبدان در آثار فوق به حفظ، تقویت و ترویج هر آنچه که مربوط به ایران و ایرانی بوده است پرداختند و اینکه همه آن‌ها به خط و زبان پهلوی نوشته می‌شد و نه عربی. به روایت منابع جغرافیایی؛ کتاب‌های عجم و شرح حوادث و مکاتبات زرتشتیان به خط پهلوی نوشته می‌شد و ایرانیان برای فهمیدن آن نیاز به تفسیر داشته‌اند، زرتشتیان در فارس به زبان پهلوی صحبت می‌کردند (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۲۸). اگر عناصر و مؤلفه‌های هویت ملی (ایرانی) را دین، فرهنگ (عقاید و آداب و سنن)، خط و زبان، تاریخ و

آگاهی، سزیمین و دولت بدانیم (میلر، ۱۳۸۳: ۲۸-۳۲)، موبدان با نگارش آثار فوق‌الذکر حداکثر تلاش خودشان را در حفظ و گسترش تعداد کثیری از مؤلفه‌های مذکور را داشته‌اند. این اقدامات بدون شک تنها محدود به قرون سوم و چهارم نبوده است بلکه از ابتدای انقراض ساسانیان پیوسته موبدان و طبقه روحانی پاسخگوی نیازها و سؤالات شرعی هم‌کیشان و همچنین شبهات غیر زرتشتیان به صورت شفاهی بوده‌اند. به‌عنوان نمونه در تاریخ قم از مباحثه یک پیر زرتشتی - که با توجه به استدلال‌هایی که دارد بایستی از متولیان دین باشد - با اعضای سپاه مهلب بن ابی صفره سخن به میان آمده است (قمی، همان: ۶۶-۶۷). جاحظ نیز با طرح شبهاتی با یک زرتشتی از در مناظره درآمده است (جاحظ، ۱۳۲۴: ۵/۳۷).

۱-۲- موبدان پاسدار خاطره قومی و فرهنگ ایرانی

به روایت منابع مختلف ادبی، جغرافیایی و تاریخی موبدان در ایران پیوسته از مقام والای علمی برخوردارند، به‌گونه‌ای که در شاهنامه واژه‌ی موبد، توسع معنایی یافته و علاوه بر عالم دینی، بر دانا و خردمند نیز اطلاق شده است، حتی گاه شاهان از نظر هوش و خرد به موبدان تشبیه شده‌اند؛ برای نمونه، درباره مهراب آمده است:

دل بخردان داشت و مغز ردان دو کتف یلان و هس موبدان (دلپذیر و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۶-۶۷) در دوران اسلامی دانایان ایرانی را که یا از موبدان و بزرگان دین زرتشتی بوده‌اند و یا از پادشاهان تاریخی و افسانه‌ای ایران، «حکیم» می‌نامیدند (محمدی ملایری، ۱۳۸۰: ۴/۲۷۶).

گزارشات برجای مانده از منابع، به کارکرد موبدان به‌عنوان حافظه‌ی قومی و حافظ آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی اشاره دارند؛ اینکه موبدان، باوجود اختلاف عقیده‌ی دینی با مسلمانان، طرف مشورت با امراء و خلفا در امور مختلف بوده‌اند، نشان از عمق دانش و آگاهی آن‌ها در امور مختلف، از جمله تاریخ و رسوم ایران، دارد. متوکل، خلیفه‌ی متعصب عباسی، برای آگاهی از زمان اخذ خراج و زمان برداشت محصول در دوره ساسانی فرمود تا موبد را حاضر کنند و به او گفت: «من نمی‌خواهم از رسوم و عادات پادشاهان ایران پا بیرون

نهم» با آنکه آن‌ها مردمانی «رعیت پرور و به عدل مشهور جهانیان» بوده‌اند چرا اول نوروز که هنوز خرمن به دست نیامده بود از رعایا خراج می‌گرفتند. که موبد به‌درستی کیفیت امر را توضیح داد (بیرونی، ۱۳۷۷: ۵۱). ابن فقیه موبدان را کانون حفظ فرهنگ ایران باستان دانسته (ابن فقیه همدانی، ۱۳۴۹: ۷۶) و مؤلف عیون‌الخبار از ترجمه‌ی اندرزنامه‌ها توسط موبدان موبد از پهلوی به عربی خبر داده است (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۴۸: ۷۰). به جزء فعالیت در امر ترجمه به مقدار زیادی می‌توان حدس زد که آن‌ها در امر استنساخ کتب قدیمی ایرانیان نقش داشته‌اند؛ به گزارش مسعودی در سال ۳۰۳ ه‍.ق در شهر استخر فارس نزد بزرگان ایرانی کتابی از اخبار ملوک و صور شاهان ساسانی مشاهده نموده که تاریخ سال ۱۱۳ ه‍.ق را دارا بوده است (مسعودی، ۱۳۸۱: ۹۹). اینکه این اثر در فارس، مرکز حضور موبدان، یافت شده است نباید امری اتفاقی باشد. یاقوت حموی اطلاعاتی درباره‌ی ایوان کسری به نقل از موبد «امیه بن اشوهشت» ارائه می‌دهد این موبد حتی برخی از سخنانی را که ابن مقفع در مورد ایوان مدائن آورده صحیح ندانسته و به اصلاح آن پرداخت (حموی، ۱۹۹۵: ۲۹۴). «قدمه» در مورد «کیومرث» از راهنمایی‌های موبدان بهره برده است (ابن جعفر، ۱۳۷۰: ۱۲۲). مسعودی از کتابی تحت عنوان «آیین نامه» یاد می‌کند که کتاب **رسوم** است و جزء به نزد موبدان و دیگر مقامات معتبر یافت نشود (مسعودی، ۱۳۸۱: ۹۸). ابن مسکویه نیز کتاب «جاویدان خرد» را با اتکا به کتاب «استطاله الفهم» که نزد موبدان موبد فارس یافته بود، نگاشت (محمدی ملایری، ۱۳۸۵: ۴/۳۵۲). کتابی که مملو از حکمت‌ها و شایستگی‌ها و رسوم ایرانیان است (ابن مسکویه، ۱۳۷۴: ۸۵، ۹۲، ۹۳، ۱۰۸، ۱۲۶ و...). همچنین حفظ و استنساخ کتاب‌های چون «مینوی خرد»، که در آن علاوه بر پند و اندرز از موضوعاتی چون آفرینش، وقایع اساطیری و معاد سخن به میان آمده است (مؤلف نامعلوم، ۱۳۵۴: ص مختلف)، از دیگر تلاش‌های ایرانیان در تداوم و گسترش باورهای ایرانی بوده است.

ابوریحان بیرونی بیشتر اطلاعات خود را در مورد اعیاد، ماه‌ها و رسومات ایران باستان از موبدان اخذ کرده است؛ از جمله منابع او در مورد مبدأ جهان و طرز خلقت بشر «بهرام شاه بن مردانشاه» موبد مدینه‌ی نیشابور بوده است (بیرونی، ۱۳۷۷: ۱۵۷). او در جای‌جای اثرش به نقل قول مستقیم و غیرمستقیم از موبدان اشاره دارد: «موبد خورشید گفتند» (بیرونی،

همان: ۳۳۷)، «کسروی گوید من از موبد متوکی شنیدم» (همان، ۳۳۸)، می‌دانیم که موسی بن عیسی کسروی از جمله مترجمین خداینامه از پهلوی به عربی است (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۳) بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که یکی از منابع خداینامه‌ها، موبدان بوده‌اند، خداینامه‌ها نیز به نوبه‌ی خود، مهمترین منبع شاهنامه‌های منثور و منظوم را تشکیل می‌داده‌اند. شاهنامه‌ها، از جمله شاهنامه‌ی فردوسی بطور مکرر برای اثبات صحت اقوال خود به دهقانان و موبدان ارجاع می‌دهند؛ «چنین گفت موبد که...»، «چنین گفت دهقان موبد نژاد...»، «ز گفت دگر موبدان کرد یاد»

زگفتار دهقان یکی داستان به پیوندم از گفته باستان

(فردوسی، ۱۳۳۶: ۱/۳۸۵)

ز موبد برآنگونه برداشت یاد که رستم برآرست از بامداد

(همانجا)

چنین گفت موبد که بر تخت عاج چو کسری کسی نیز نهاد تاج

(همان: ۵/۴۱)

در مقدمه شاهنامه بایسنغری آمده است که در عهد ساسانی به همراه دهقانان، موبدان نیز در تدوین خدای‌نامه‌ها دست داشته‌اند: «چون زمان یزدجرد شهریار رسید مجموع آن در تواریخ متفرق در خزانه جمع شده بود. دانشور دهقان را که از جمله‌ی اکابر مداین بود و شجاعت و حکمت باهم جمع داشت بفرمود تا آن تواریخ را فهرستی نهاده از ابتدای دولت کیومرث تا انتهای دولت خسرو پرویز بر ترتیب یاد کرد و هر سخن که در آنجا مذکور نبود از موبدان و ادیبان پرسید و آن را ملحق گردانید و تاریخی جمع شد در غایت کمال...» (فردوسی، ۱۳۵۰: ۹-۱۰)

محمدی ملایری با اتکا به منابع نشان می‌دهد که موبدان در جمع‌آوری و تدوین خداینامه‌ها در دوران اسلامی فعال بوده‌اند (محمدی ملایری، ۱۳۸۰: ۴/۱۵۹) موبدان زرتشتی در مناطق مختلف به حفظ آثار علمی ایران قبل از اسلام کمک کردند، چنانکه ری

در مدت یک و نیم قرن پس از اسلام استقلال خود را زیر فرمان موبدان موبد حفظ کرد، یکی از مناطق مهم نگهداری آثار ایرانی و پناهی برای موبدان زرتشتی بوده است (دلبری، ۱۳۸۶: ۲۹).

در نهضت ترجمه نیز موبدان فعال بوده‌اند و از جمله موبد شهر شاپور به ترجمه کتب ایرانی از فارسی به عربی مشغول بوده است (ابن ندیم، ۴۴۶). ترجمه و نگهداری آثار ایرانی چندین اثر به دنبال داشت از جمله: شعور قومی ایرانیان را به حد اعلای خود رساند و تار و پود وحدت قومی و نژادی در ایران را مستحکم‌تر می‌ساخت (دلبری، ۱۳۸۶: ۳۵). خط پهلوی و زبان پارسی در ایران تا پیش از قرن چهارم به واسطه‌ی تلاش‌های موبدان در درجه اول و دهقانان در مرتبه دوم متداول ماند (همانجا).

از جمله نتایج فعالیت موبدان زرتشتی در عرصه‌ی دین و فرهنگ پرورش ایرانیان متعصبی بوده، که طی قرن‌ها بعد از فتح ایران به دست اعراب، همچنان امیدوار به بازگشت مُلک به ایرانیان و اخراج اعراب بوده‌اند؛ این گروه پیوسته سعی داشته‌اند که این روحیه‌ی امید را در دل و جان ایرانیان روشن نگه دارند. بیرونی نقل کرده است: «احمد بن طیب سرخسی با تدابیر و شواهد نجومی اثبات کرد که دولت و حکومت از عرب برگردد و کیش اسلام مبدل شود» (بیرونی، همان: ۳۰۵) و همچنین ابوعبدالله عدی که بسیار تعصب مجوسیت دارد کتابی در «ادوار و قرانات» تصنیف کرد و در آن پیش‌بینی نمود که: «در هجدهمین قرآن در مولد محمد (ص) انسانی ظهور خواهد کرد که دولت مجوسیت را بازگشت دهد و بر همه‌ی روی زمین مستولی و چیره خواهد شد و ملک عرب و دیگر امم را از میان برد» (بیرونی، همان: ۳۰۳) (مسعودی، همان: ۱۰۱) پیشگویی استقرار دوباره حقیقت و عدالت و سرنگونی اعراب در منظومه «برآمدن شاه بهرام ورجاوند»، که مربوط به قرون سوم و چهارم است، آمده است:

«از ما بیاید آن شاه بهرام ورجاوند از دوره‌ی کیان،

بیاریم کین تازیان،

چون رستم (که) آورد یکصد کین سیاوشان، مزگت‌ها را فرو هلیم^۱ و بنشانیم آتشان،
بتکده‌ها را برکنیم و پاک کنیم از جهان،

تا ویران شود دروچزادگان از این جهان» (آکسانا، ۱۳۷۱: ۱۹۱)

یک موبد شعوبی مسلک ضمن طلب نمودن میراث باستانی ایرانیان و تحقیر اعراب، بر این باور است که با مبارزات فرهنگی و نظامی دوباره باز خواهیم گشت: «من یک عجم اصیل هستم و میراث پادشاهان ایرانی را می‌طلبم، به پسران هاشم بگو، قبل از پیشیمانی تسلیم شوند، بساطتان را جمع کنید، به جزیره العرب برگردید و دوبار سوسمار بخورید و گله‌هایتان را بچرانید، در حالی که من به مدد تیزی شمشیرم و نوک قلمم بر سریر سلطنت جلوس خواهم کرد.» (ثعالبی، ۱۴۲۱: ۱۰۲) (گلدزیهر، ۱۳۷۱: ۱۷۹).

ظاهراً موبدان در راه تزریق روحیه‌ی امید در ایرانیان موفق نیز بوده‌اند، بیرونی می‌گوید: «این مرد (احمد سرخسی) در دل و جان مردمان ضعیف‌النفس و ساده لوح، اوهام باطله‌ای کاشت»^۲ (بیرونی، همان: ۳۰۵).

نتیجه

در پایان باید گفت که موبدان بیش از همه بر حفظ و توسعه‌ی میراث ایرانی پافشاری کردند و حداقل امکان حاضر به پذیرش عناصر مربوط به بیگانه نشدند. این موضوع هم در مورد دین و هم فرهنگ و حتی خط و زبان مصداق دارد. همانطوریکه ملاحظه شد کتاب‌های نوشته شده توسط موبدان مجموعه‌ای از تبیین آموزه‌های دین زرتشتی، پاسخ به سؤالات هم‌کیشان، رد شبهات بد دینتان، نشان دادن شایستگی دین بهی و کم‌ارزشی دین مخالفان، انتقاد به دین‌های بیگانه، اطلاعاتی درباره عادات، عقاید، افسانه‌ها، تاریخ، فرهنگ عامه، آداب و رسوم ایرانیان بوده است و اینکه همه آن‌ها به خط و زبان پهلوی نوشته

۱ - مسجدها را خراب کنیم.

۲ - همانطوریکه اشاره شد بیرونی در زمره‌ی کسانی قرار می‌گیرد که نه تنها به دین جدید درآمنند، بلکه گذشته خود را به عنوان دوران جهل و شرک و پلیدی انکار نموده و غرق در شرایط جدید شدند. بدین جهت چنین سخنانی را بر زبان می‌راند (شجری قاسم خلیلی، ۱۳۸۹: ۵۵-۴۵).

می‌شد و نه عربی. با توجه به اینکه دین، فرهنگ (عقاید و آداب و سنن)، خط و زبان، تاریخ و آگاهی تاریخی از مهم‌ترین عناصر و مؤلفه‌های هویت ایرانی به حساب می‌آیند، می‌توان نتیجه گرفت که موبدان در مقایسه با طبقه «دهقان» که نقش مهم و غیرقابل انکاری در تداوم میراث و هویت ایرانی در دوران اسلامی داشته‌اند، اصرار و پافشاری بیشتری در حفظ و انتشار میراث ایرانی داشته‌اند؛ زیرا دهقانان بنا به دلایلی، خارج از بحث ماست، به دین جدید درآمدند و به‌عنوان رابط مردم و دستگاه خلافت حداقل در مکاتبات اداری و رسمی خط و زبان عربی را پیشه نمودند.

اهمیت دیگر کار موبدان اینکه بسیاری از ایرانیان را بر هویت ایرانی خود پایدار نگه داشتند؛ اگرچه آن‌ها به‌عنوان حافظ دین بهی نتوانستند جلوی اسلامی شدن ایران را بگیرند ولی در عرصه‌ی تاریخ و فرهنگ تلاش آن‌ها به بار نشست و بدین ترتیب در تداوم هویت ایرانی نقش کلیدی ایفا کردند.

منابع و مأخذ

- ابن اعثم کوفی، ابو محمد احمد بن علی، (۱۳۸۰)، *الفتوح*، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، چ سوم، تهران، علمی و فرهنگی.
- ابن حوقل، (۱۳۶۶)، *صوره الارض*، ترجمه و توضیح جعفر شعار، چ دوم، تهران، امیرکبیر.
- ابن رسته، احمد بن عمر، (۱۳۸۰)، *الاعلاق النفیسه*، ترجمه و تعلیق حسین قره چانلو، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.
- ابن فقیه همدانی، (۱۳۴۹)، *البلدان*، ترجمه ح. مسعود، چاپ اول، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۳۴۳)، *الفهرست*، ترجمه‌ی محمدرضا تجدد، چاپ اول، تهران، ابن‌سینا.
- ارداویراف، (۱۳۴۲)، *ارداویرافنامه*، به کوشش رحیم عقیفی، چاپ اول، مشهد، دانشگاه مشهد.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، (۱۳۷۳)، *المسالک و الممالک*، چ اول، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران، علمی و فرهنگی.
- اصفهانی، حمزه بن حسن، (۱۳۶۷)، *تاریخ پیامبران و شاهان*، ترجمه‌ی جعفر شعار، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.
- اکسانا، جی جاماسب و جاماسب جی دستور منوچهر (گردآورنده)، (۱۳۷۱)، *متون پهلوی*، گزارش سعید عریان، چ اول، تهران، کتابخانه ملی.
- آذر فرنیخ، (۱۳۶۸)، *بندھش هندی*، تصحیح و ترجمه مرضیه بهزادی، چاپ دوم، تهران، مدرسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- آذر فرنیخ پسر فرخزاد و آذرباد پسر امید، (۱۳۸۱)، *کتاب سوم دین کرد*، دفتر یکم، آوانویسی و ترجمه فریدون فضیلت، چاپ اول، تهران انتشارات فرهنگ دهخدا.
- بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۲۷)، *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل، چاپ اول، تهران، نشر نقره.
- بیرونی، ابوریحان، (۱۳۷۷)، *آثار الباقیه عن القرون الخالیه*، ترجمه‌ی اکبردانا سرشت، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- پطرو شففسکی، ایلیا پاولویچ، (۱۳۷۰)، *اسلام در ایران*، ترجمه ی کریم کشاورز، چاپ دوم، تهران، انتشارات پیام.
- تاوادی، ج، (۱۳۸۳)، *زبان و ادبیات پهلوی*، ترجمه ی س نجم آبادی، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران.
- ثعالبی، ابی منصور عبدالملک، (۱۴۲۱)، *یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر*، شرح و تحقیق مفید محمد قمیحه، الطبعه الاولى، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- جاحظ، ابو عثمان عمرو بن بحر، (۱۴۲۴ق)، *الحيوان*، الطبعه الاولى، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- جاحظ، ابن عثمان عمرو، (۱۴۲۴ ق)، *الحيوان*، ج ۵، الطبعه الاولى، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، ط.الثانیه، بیروت، دارصار.
- دلبری، شهر بانو، «*اهتمام روحانیان زرتشتی در حفظ و یاس دانست میراث ادبی ایران*»، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن، سال سوم، شماره ۱۱، ۱۳۹۶، صص ۳۹-۲۰.
- دلپذیر، زهرا، اکبر شامیان ساروکلائی و مهدی رحمتی، «*رد و موبد در شاهنامه*»، پژوهش های زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۱، سال سوم، ۱۳۹۰، صص ۷۴-۶۱.
- دینوری، مسلم بن قتیبه، (۱۴۱۸)، *عیون الاخبار*، ط.الثانیه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- شجری قاسم خیلی، رضا و هاشم آقاجری، حمید احمدی، سارا شریعتی، «*گسترش هویتی ابوریحان*»، جستارهای تاریخی، ش ۱، سال اول، ۱۳۸۹، صص ۵۵-۴۵.
- صدیقی، غلامحسین، (۱۳۷۲)، *جنبش های دینی ایران در قرن های دوم و سوم هجری*، چاپ اول، تهران، پاژنگ.
- صفاء ذبیح الله، (۱۳۸۴)، *حماسه سرایی در ایران*، چاپ هفتم، تهران، امیرکبیر.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵)، *تاریخ طبری*، ترجمه ی ابوالقاسم پاینده، ج ۵، چاپ پنجم، تهران، اساطیر.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۳۶)، *شاهنامه*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، ج ۱ و ۵، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۵۰)، *شاهنامه فردوسی از روی نسخه ی بایسنغری*، چاپ اول،

تهران، شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران.

- فرنیغ دادگی، (۱۳۶۹)، *بندھش (ایرانی)*، گزارنده مهرداد بهار، چاپ اول، تهران، توس.
- قدامه بن جعفر، (۱۳۷۰)، *الخراج*، چاپ اول، ترجمه حسین قره چانلو، تهران، نشر البرز.
- قمی، حسن بن محمد، (۱۳۶۱)، *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبدالملک قمی، تحقیق سید جلال‌الدین تهرانی، چ اول، تهران، نشر توس.
- گلدزیهر، و، (۱۳۷۱)، *ثعوبیه*، ترجمه‌ی محمدرضا افتخارزاده، جلد اول، چاپ اول، تهران، مؤسسه‌ی نشر میراث‌های تاریخی اسلام و ایران.
- مسعودی، ابو الحسن علی بن حسین، (۱۳۸۱)، *التنبیه و الاشراف*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، ۲ جلد، چاپ سوم، تهران، علمی و فرهنگی.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۲۵)، *گفتاری درباره دینکرد*، چ اول، تهران، چاپخانه پاکت چی.
- مؤلف مجهول، (۱۳۶۲)، *حدوالعالم من المشرق الی المغرب*، چاپ اول، تهران، کتابخانه طهوری.
- مؤلف مجهول، (۱۳۶۹)، *سایست و ناسایست*، به کوشش کتایون مزداپور، چاپ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مؤلف مجهول، (۱۳۷۲)، *ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ آیین مزدیسنی*، چاپ دوم، ترجمه‌ی رحیم عقیفی، تهران، توس.
- مؤلف مجهول، (۱۳۸۱)، *تاریخ سیستان*، به تصحیح محمدتقی بهار، چاپ اول، تهران، معین.
- نویری، احمد شهاب‌الدین، (۱۳۶۵)، *نهایه الارب فی فنون الادب*، ترجمه‌ی محمود دامغانی، چ دوم، تهران، توس.
- همدانی، ابن فقیه، (۱۳۴۹)، *البلدان*، ترجمه‌ی ح. مسعود، چاپ اول، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.